

یک گپ دوستانه

باسکوت

معصومه اسماعیلی



پنجوهای یک

گفت و گویی در باره حجاب

ف.د.

سؤال: چگونه پسری که قبل از زمان تکلیف، زن یا دختری را بدون حجاب دیده و تصویر او کاملاً در ذهنش مجسم است و یا حتی در بعضی موارد در کنار زنی (مثل زن برادر) بزرگ شده، هنگامی که به سن تکلیف برسد، نسبت به همان زن نامحرم می‌شود؟ آیا اصلاً حجاب در برابر چنین مردی، معنا دارد؟

پاسخ: ابتدا باید گفت که این‌طور نیست که بی‌حجاب بودن زن در مقابل پسران به تکلیف نرسیده، به طور مطلق بی‌اشکال باشد؛ چرا که امام خمینی نیز در رساله خود می‌فرماید «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند»^۱

چقدر به جاست که پاسخ این سؤال را از زبان پیامبر اکرم (ص) بشنویم: «سوره» زنی هیکل‌دار بوده که قبل از نزول آیات حجاب، مثل دیگر زنان در مقابل نامحرمان نمایان می‌شد، ولی بعد از نزول آیات مربوطه، با حجابی اسلامی در جامعه حاضر می‌گردید و این سؤال در ذهنش بود که همین مردان کوچه و بازار مرا با وضع قبلی دیده‌اند، قیافه و هیکل من در نظر آن‌ها مجسم است، پس حجاب من دیگر چه فایده‌ای دارد؟ سؤال خود را با رسول خدا (ص) مطرح کرد، حضرت به او می‌فرمایند «شما از امر الهی اطاعت و انجام وظیفه کنید» یعنی این که نامحرمان قیافه قبلی تو را در ذهن خود دارند، مانع از انجام تکلیف فعلی شما نمی‌شود و باید تسلیم فرمان الهی بود. در واقع این پاسخ پیامبر اکرم (ص) پاسخ سؤال مورد بحث ما نیز هست. آری هرچند ممکن است فلسفه خیلی از امر و نهی‌های الهی را ندانیم، ولی باید برای رسیدن به سعادت، در مقابل امر خداوند دانای حکیم، تسلیم بود.

پی‌نوشت:

۱. در بخش «احکام نگاه کردن»، مسئله ۲۴۴۵

که آن را نگفته باشی، اما وقتی که گفتی، تو در اسارت او هستی.

- آدم‌ها از نظر تو چند دسته‌اند؟
- طلافروش و بیخ‌فروش و طلاساز
- چطور؟

حرف مثل طلا و نقره است، پس باید آن را نگاه داشت؛ اما مردم سعی می‌کنند با نازل‌ترین قیمت آن را بفروشند و بعضی آدم‌ها مثل یخی هستند که با حرف‌زدن آب می‌شوند.

- حرف‌زدن چه ربطی دارد به آب شدن؟
- آبروی آدم‌ها مثل یخ جامدی است که با درخواست کردن، قطره قطره آب می‌شود و سنگین‌تر از این مطلب، جایی است که این قطره‌ها فرو می‌ریزند و کسی اهمیتی نمی‌دهد و طلاساز عاقلی است که با تفکر حرف می‌زند.

- ملاک گفتن و نگفتن چیست؟
- آن چه نمی‌دانی نگو، همه آن چه را هم که می‌دانی بگو.

- چرا این قدر آدم با حرف سبک می‌شود، اما سکوت باعث وقار است؟

چون هر زمانی می‌توانی سکوت را به کلام تبدیل کنی، اما هیچ‌گاه نمی‌توانی سختی را به سکوت مبدل کنی.

- رابطه تو با تفکر چگونه است؟
- انسان با تفکر به هر چیزی می‌رسد و خاموشی موجب تفکر است.

- چند کلمه می‌دهم یک جمله ساز؛ مشک، بستن، حفظ کردن؟
- حفظ آن چه در مشک است، به محکم بستن در مشک است.

... طوری با خداحافظی می‌کنم که انگار روحی از بدن جدا شده و به آرامی خواب دوباره به بدن باز می‌گردد؛ یا مثل انداختن پرده‌ای حریر بر پنجره‌ای که همیشه روشن بوده است.

منابع

۱. نهج‌البلاغه
۲. اصول کافی باب خاموشی

مسلماً گفت و گو با موجودی مثل سکوت کار سختی است؛ اما به نظر من بالاخره یک کار شدنی است. قدم‌هایم را آهسته می‌شمارم و سعی می‌کنم صدای ضربان قلبم، دنیای آرام او را به هم نزنم ... در یک چهاردیواری کوچک دنیای بزرگی نشسته است که آرام و با وقار به نظر می‌رسد. طوری با او گفت و گو می‌کنم که انگار پرده حریری را از روی پنجره‌ای روشن کنار زده باشم ...

- در معرفی خودتان چه می‌گویید؟
- من یکی از دره‌های حکمت و با وجود من فهم انسان زیاد می‌شود و محبتش به معرفت بیش‌تر می‌شود.

- تاریخ تولد؟
- قبل از این که آدم اولین حرف را به زبان آورد، یا زمانی که خدا بود و کسی نبود.

- چقدر خودت را قبول داری؟
- ببینید، با این جمله درجه اهمیت من معلوم می‌شود: آدم تا زمانی که سکوت کند، خوب و نیکوکار به حساب می‌آید و زمانی که به حرف بیاید، یا خوب و نیکوکار است، یا بدکار.
- زیادی تو چه فایده‌ای دارد؟

باسکوت زیاد، وقار انسان زیاد می‌شود و محبت دیگران به او بیش‌تر می‌شود.

- گفتن بهتر است یا سکوت کردن؟
- جایی که باید حرف زد، خب مسلماً در سکوت کردن خبری نیست، همان‌طور که در سخن بی‌مایه و ناآگاهانه هم خبری نیست و به هر حال، اگر سخن از نقره باشد، خاموشی از طلاست و طلا هم از نقره با ارزش‌تر است.

- آدم با حرف زدن حقیقت را روشن می‌کند، پس چرا این قدر می‌گویند سکوت کن؟
- چون جبران چیزی که با سکوت از دست رفته، آسان‌تر از جبران چیزی است که با حرف زدن از دست داده‌ای.

- از چه جور آدمی بدت می‌آید؟
- کسی که مرا در قلیش نگاه نمی‌دارد و زندان را به آزادی ترجیح می‌دهد.

- تو چه ربطی داری به زندان؟
- چون حرف در اسارت توست و این تا زمانی است

